

## «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. یک سال دیگر از عمر ما گذشت. شما جوانان رو به پیری و ما پیران رو به مرگ پیش می‌رویم. در این یک سال تحصیلی شما به حدود تحصیلات و اندوخته‌های علمی خود واقفید؛ می‌دانید چقدر تحصیل کرده و تا چه اندازه پایه‌های علمی خود را بالا برده‌اید؛ لیکن راجع به تهذیب اخلاق، تحصیل آداب شرعی، معارف الهیه و تزکیه نفس چه کردید؟ و چه قدم مثبتی برداشتید؟ هیچ به فکر تهذیب و اصلاح خود بودید؟ و در این زمینه برنامه‌ای داشتید؟
۲. هر قدمی که برای تحصیل علم برمی‌دارید، قدمی هم برای کوبیدن خواسته‌های نفسانی، تقویت قوای روحانی، کسب مکارم اخلاق، تحصیل معنویات و تقوا بردارید.
۳. بکوشید پیش از آنکه وارد جامعه گردید خود را اصلاح کنید، مذهب سازید.
۴. اگر اکنون که فارغ‌البال می‌باشید در مقام اصلاح و تهذیب نفس بر نیایید، آن روز که اجتماع به شما روی آورد، دیگر نمی‌توانید خود را اصلاح نمایید.
۵. انبیای خدا برای این مبعوث شدند که آدم تربیت کنند؛ انسان بسازند؛ بشر را از زشتیها، پلیدیها، فسادها و رذایل اخلاقی دور سازند و با فضایل و آداب حسنه آشنا کنند **لَا تُعْتَبُ لِاتِّمَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ** (برانگیخته شده‌ام تا منشهای نیک را کامل گردانم. پیامبر اکرم(ص))
۶. خدا نکند پیش از کسب ملکات فاضله و تقویت قوای روحانی، ریش انسان کمی سفید و عمامه بزرگ گردد، که از استفاده‌های علمی و معنوی و از تمام برکات باز می‌ماند. تا ریش سفید نشده کاری کنید؛ تا مورد توجه مردم قرار نگرفته‌اید، فکری به حال خود نمایید. خدا نکند انسان پیش از آنکه خود را بسازد، جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ و شخصیتی پیدا کند که خود را می‌بازد، خود را گم می‌کند، قبل از آنکه عنان اختیار از کف شما ربوده شود خود را بسازید و اصلاح کنید. به اخلاق حسنه آراسته شوید؛ رذایل اخلاقی را از خود دور کنید؛ در درس و بحث اخلاص داشته باشید تا شما را به خدا نزدیک سازد. اگر در کارها نیت خالص نباشد، انسان را از درگاه ربوبی دور می‌کند.
۷. باید به فکر باشید. در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق، برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید؛ جلسه‌ی وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید، خودرو نمی‌توان مذهب شد.

۸. خوب است فقهای عظام و مدرسین عالی مقام - که مورد توجه جامعه علمیه می باشند - در خلال درس و بحث به تربیت و تهذیب افراد همت گمارند و به مسائل معنوی و اخلاقی بیشتر بپردازند، محصلین حوزه ها نیز لازم است در کسب ملکات فاضله و تهذیب نفس کوشش کرده، به وظایف مهم و مسئولیتهای خطیری که بر دوش آنان است، اهمیت دهند.

۹. از شما توقع است که وقتی از مرکز فقه رفتید، خود مهذب و ساخته شده باشید تا بتوانید مردم را بسازید و طبق آداب و دستورات اخلاقی - اسلامی، آنان را تربیت کنید. اما اگر خدای نخواستہ در مرکز علم خود را اصلاح نکردید، معنویات کسب ننمودید، به هر جا که بروید العیاذ باللہ مردم را منحرف ساخته، به اسلام و روحانیت بدبین خواهید کرد.

۱۰. اگر در حوزه ها به وظایف خود عمل نکنید و در صدد تهذیب خود نباشید و فقط دنبال فراگرفتن چند اصطلاح بوده مسائل اصولی و فقهی را درست کنید، در آتیه خدای نخواستہ برای اسلام و جامعه اسلامی مضر خواهید بود؛ ممکن است. العیاذ باللہ؛ موجب انحراف و گمراهی مردم شوید. اگر به سبب اعمال و کردار و رفتار ناروای شما یک نفر گمراه شده از اسلام برگردد، مرتکب اعظم کبائر می باشید؛ و مشکل است توبه شما قبول گردد. چنانکه اگر یک نفر هدایت یابد، به حسب روایت «بهتر است از آنچه آفتاب بر آن می تابد.»

۱۱. مسئولیت شما خیلی سنگین است. وظایف شما غیر از وظایف عامه مردم می باشد؛ چه بسا اموری که برای عامه مردم مباح است، برای شما جایز نیست، و ممکن است حرام باشد. مردم ارتکاب بسیاری از امور مباحه را از شما انتظار ندارند، چه رسد به اعمال پست نامشروع، که اگر خدای نخواستہ از شما سر بزنند، مردم را نسبت به اسلام و جامعه روحانیت بدبین می سازد. درد اینجاست، اگر مردم از شما عملی که برخلاف انتظار است مشاهده کنند، از دین منحرف می شوند؛ از روحانیت برمی گردند، نه از فرد. ای کاش از فرد بر می گشتند و به یک فرد بدبین می شدند؛ ولی اگر از یک روحانی عملی ناشایست و برخلاف نزاکت ببینند، تجزیه و تحلیل نمی کنند. همچنان که در میان کسبه افراد نادرست و منحرف وجود دارد و در میان اداریه اشخاص فاسد و زشتکار دیده می شود، ممکن است در میان روحانیون نیز یک یا چند نفر ناصالح و منحرف باشد؛ لذا اگر بقالی خلاف کند، می گویند فلان بقال خلافکار است. اگر یک عطار عمل زشتی مرتکب گردد، گفته می شود فلان عطار زشتکار است. لیکن اگر آخوندی عمل ناشایسته ای انجام دهد، نمی گویند فلان آخوند منحرف است، گفته می شود آخوندها بدنند!

۱۲. وظایف اهل علم خیلی سنگین است؛ مسئولیت علما بیش از سایر مردم می باشد. اگر به «اصول» کافی، کتاب وسائل، به ابواب مربوط به وظایف علما مراجعه کنید، می بینید تکالیف سنگین و مسئولیتهای خطیری برای اهل علم بیان شده است. در روایت است که وقتی جان به حلقوم می رسد، برای عالم دیگر جای توبه نیست و در آن حال، توبه وی پذیرفته نمی شود؛ زیرا خداوند از کسانی تا آخرین دقایق زندگی توبه می پذیرد که جاهل باشند. و در روایت دیگر آمده است که هفتاد گناه از جاهل آمرزیده می شود پیش از آنکه یک گناه از عالم مورد آموزش قرار گیرد. زیرا گناه عالم برای اسلام و جامعه اسلامی خیلی ضرر دارد. عوام و جاهل اگر معصیتی مرتکب شود، فقط خود را بدبخت کرده، بر خویشان ضرر وارد ساخته است؛ لیکن اگر عالمی منحرف شود و به عمل زشتی دست زند، عالمی را منحرف کرده، بر اسلام و علمای اسلام زیان وارد ساخته است. اینکه در روایت آمده که اهل جهنم از بوی تعفن عالمی که به علم خود عمل نکرده، متأذی می شوند، برای همین است که در دنیا بین عالم و جاهل در نفع و ضرر به اسلام و جامعه اسلامی فرق بسیار وجود دارد. اگر عالمی منحرف شد، ممکن است امتی را منحرف ساخته به عفونت بکشد. و اگر عالمی مهذب باشد، اخلاق و آداب اسلامی را رعایت نماید، جامعه را مهذب و هدایت می کند.

۱۳. اگر انسان خبائثت را از نهادش بیرون نکند، هر چه درس بخواند و تحصیل نماید نه تنها فایده ای بر آن مترتب نمی شود؛ بلکه ضررها دارد. علم وقتی در این مرکز خبیث وارد شد، شاخ و برگ خبیث به بار آورده، شجره خبیثه می شود. هر چه این مفاهیم در قلب سیاه و غیرمهذب انباشته گردد، حجاب زیادتر می شود. در نفسی که مهذب نشده، علم، حجاب ظلمانی است: **الْعِلْمُ هُوَ الْحِجَابُ الْأَكْبَرُ**؛ لذا شر عالم فاسد برای اسلام از همه شرور خطرناکتر و بیشتر است.

۱۴. علم، نور است؛ ولی در دل سیاه و قلب فاسد دامنه ظلمت و سیاهی را گسترده تر می سازد. علمی که انسان را به خدا نزدیک می کند، در نفس دنیاطلب، باعث دوری بیشتر از درگاه ذی الجلال می گردد. علم توحید هم اگر برای غیر خدا باشد، از حجب ظلمانی است؛ چون اشتغال بماسوی الله است. اگر کسی قرآن کریم را با چهارده قرائت لما سوی الله حفظ باشد و بخواند، جز حجاب و دوری از حق تعالی چیزی عاید او نمی شود. اگر شما درس بخوانید، زحمت بکشید، ممکن است عالم شوید؛ ولی باید بدانید که میان «عالم» و «مهذب» خیلی فاصله است. مرحوم شیخ، استاد ما - رضوان الله تعالی علیه - می فرمود اینکه می گویند: «ملا شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل» صحیح نیست. باید گفت: ملا شدن چه مشکل، آدم شدن محال است!

۱۵. کسب فضایل و مکارم انسانی و موازین آدمیت از تکالیف بسیار مشکل و بزرگی است که بر دوش شماست. گمان نکنید اکنون که مشغول تحصیل علوم شرعی می باشید، و فقه که اشرف علوم است می آموزید، دیگر راحتید، و به وظایف و تکالیف خود عمل کرده اید؛ اگر اخلاص و قصد قربت نباشد، این علوم هیچ فایده ای ندارد. اگر تحصیلات شما - العیاذبالله - برای خدا نباشد و برای هواهای نفسانیه، کسب مقام و مسند، عنوان و شخصیت در این راه قدم گذاشته باشید، برای خود وزر و وبال اندوخته اید. این اصطلاحات اگر برای غیر خدا باشد، وزر و وبال است. این اصطلاحات هر چه زیادتیر شود، اگر با تهذیب و تقوا همراه نباشد، به ضرر دنیا و آخرت جامعه مسلمین تمام می شود. تنها دانستن این اصطلاحات اثری ندارد.

۱۶. علم توحید هم اگر با صفای نفس توأم نباشد، وبال خواهد بود. چه بسا افرادی که عالم به علم توحید بودند و طوایفی را منحرف کردند. چه بسا افرادی که همین اطلاعات شما را به نحو بهتری دارا بودند؛ لیکن چون انحراف داشتند و اصلاح نشده بودند، وقتی وارد جامعه گردیدند بسیاری را گمراه و منحرف ساختند. این اصطلاحات خشک اگر بدون تقوا و تهذیب نفس باشد، هر چه بیشتر در ذهن انباشته گردد، کبر و نخوت در دایره نفس بیشتر توسعه می یابد؛ و عالم تیره بختی که باد نخوت بر او چیره شده، نمی تواند خود و جامعه را اصلاح نماید، و جز زیان برای اسلام و مسلمین نتیجه ای به بار نمی آورد؛ و پس از سالها تحصیل علوم و صرف وجوه شرعی، برخورداری از حقوق و مزایای اسلامی، سد راه پیشرفت اسلام و مسلمین می گردد و ملتها را گمراه و منحرف می سازد؛ و ثمره این درسها و بحثها و بودن در حوزه ها این می شود که نگذارد اسلام معرفی گردد، حقیقت قرآن به دنیا عرضه شود، بلکه وجود او ممکن است مانع معرفت جامعه نسبت به اسلام و روحانیت گردد.

۱۷. بعضیها فقط در صدند چند کلمه یاد بگیرند و بروند در محل خود، یا جای دیگر، دستگاه، جاه و مقامی به چنگ آورند و با دیگران دست و پنجه نرم کنند! مانند آنکه می گفته: بگذار شرح لمعه را بخوانم، می دانم با کدخدا چه کنم! طوری نباشد که از اول، نظر و هدف شما از تحصیل، گرفتن فلان مسند و به دست آوردن فلان مقام باشد، و بخواهید رئیس فلان شهر یا آقای فلان ده گردید. ممکن است به این خواسته های نفسانی و آرزوهای شیطانی برسید؛ ولی برای خود و جامعه اسلامی جز زیان و بدبختی چیزی کسب نکرده اید. معاویه هم مدت مدیدی رئیس بود؛ ولی برای خود جز لعن و نفرت و عذاب آخرت بهره و نتیجه ای نگرفت.

۱۸. لازم است خود را تهذیب کنید، که وقتی رئیس جامعه یا طایفه ای شدید، آنان را نیز تهذیب نمایید. برای اصلاح و ساختن جامعه قدم بردارید؛ هدف شما خدمت به اسلام و مسلمین باشد. اگر برای خدا قدم بردارید، خداوند متعال مقلب القلوب است، دلها را به شما متوجه می سازد: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَانُ وُدًّا**).

همانا آنان که ایمان آوردند و کار شایسته انجام دادند، خدای رحمان برای آنها محبت قرار خواهد داد. (مریم / ۹۶)

۱۹. شما در راه خدا زحمت بکشید، فداکاری کنید، خداوند شما را بی اجر نمی گذارد؛ اگر در این دنیا نشد، در آخرت پاداش خواهد داد. اگر جزا و پاداش شما را در این عالم نداد چه بهتر. دنیا چیزی نیست. این هیاهوها و شخصیتها چند روز دیگر به پایان می رسد، مانند خوابی از جلو چشم انسان می گذرد. لکن اجر اخروی، لایتنهای و تمام نشدنی خواهد بود.

۲۰. ملت انتظار دارند که شما روحانی و مؤدب به آداب اسلامی باشید؛ حزب الله باشید؛ از زرق و برق زندگی و جلوه های ساختگی آن بپرهیزید؛ در راه پیشبرد آرمانهای اسلامی و خدمت به ملت اسلام از هیچ گونه فداکاری دریغ نورزید؛ در راه خدای تعالی و برای رضایت خاطر او قدم بردارید، و جز به خالق یکتا به احدی توجه نداشته باشید؛ اما اگر برخلاف انتظار دیدند به جای توجه به ماوراءالطبیعه تمام همّ شما دنیاست و همانند دیگران برای جلب منافع دنیوی و شخصی کوشش می کنید، با یکدیگر بر سر دنیا و منافع پست آن دعوا دارید، اسلام و قرآن را - العیاذ بالله - بازیچه خود قرار داده اید، و برای رسیدن به مقاصد شوم و اغراض کثیف و ننگین دنیایی خود دین را به صورت دکانی در آورده اید، منحرف می گردند؛ بدبین می شوند؛ و شما مسئول خواهید بود.

۲۱. اگر بعضی معممین سربار حوزه ها روی غرض ورزیهای شخصی و جلب منافع دنیوی به جان هم افتند، همدیگر را هتک کنند، تفسیق نمایند، هیاهو درست کنند، در تصدی بعضی امور با یکدیگر رقابت نمایند، سر و صدا راه بیندازند، به اسلام و قرآن خیانت کرده اند؛ به امانات الهی خیانت ورزیده اند. خدای تبارک و تعالی دین مقدس اسلام را به عنوان امانت به دست ما سپرده است؛ این قرآن کریم امانت بزرگ خداست؛ علما و روحانیون، امانتدار الهی هستند و وظیفه دارند این امانت بزرگ را حفظ نموده، به آن خیانت نکنند؛ این یک دندگی ها و اختلافات شخصی و دنیوی خیانت به اسلام و پیامبر بزرگ اسلام است.

۲۲. ریشه تمام اختلافاتی که فاقد هدف مشخص و مقدسی باشد به حبّ دنیا برمی گردد؛ و اگر در میان شما هم، چنین اختلافاتی وجود دارد، برای آن است که حبّ دنیا را از دل بیرون نکرده اید؛ و از آنجا که منافع دنیا محدود می باشد، هر یک برای به دست آوردن آن با دیگری به رقابت بر می خیزد. شما خواهان فلان مقامید، دیگری نیز همان مقام را می

خواهد، قهراً منجر به حسادت و برخورد می گردد؛ لیکن مردان خدا که حبّ دنیا را از دل بیرون کرده اند، هدفی جز خدا ندارند، هیچ گاه با هم برخورد نداشته، چنین مصایب و مفاسدی به بار نمی آورند. اگر تمام پیامبران الهی امروز در یک شهر گرد آیند، هرگز با هم دوئیت و اختلاف نخواهند داشت؛ زیرا هدف و مقصد یکی است؛ دلها همه متوجه به حق تعالی بوده، از حب دنیا خالی است.

۲۳. بترسید از اینکه خدای نخواستہ از دنیا بروید و شیعهٔ علی بن ابیطالب(ع) نباشید؛ بترسید از اینکه موفق به توبه نگردید، و از شفاعت آن حضرت بی نصیب بمانید. پیش از آنکه فرصت از دست برود، چاره بیندیشید.

۲۴. گاهی هواها و خواسته های نفسانی به اسم وظیفه شرعی، انسان را به کارهایی وامی دارد. این وظیفهٔ شرعی نیست که کسی نسبت به مسلمانی اهانت کند؛ از برادر دینی بدگویی نماید. این حب دنیا و حب نفس است؛ این تلقینات شیطان است که انسان را به این روز سیاه می نشاند؛ این تخاصم، تخاصم اهل نار است: **إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُّمُ أَهْلِ النَّارِ**. (این نزاع اهل آتش محقق و حتمی است.) در جهنم نزاع و خصومت وجود دارد؛ اهل جهنم نزاع و دعوا می کنند، به هم پنجه می زنند. اگر شما بر سر دنیا دعوا دارید، بدانید که برای خود جهنم تهیه می کنید و رو به جهنم می روید. امور اخروی دعوا ندارد. اهل آخرت با هم در صلح و صفا هستند؛ قلبهایشان مملو از محبت خدا و بندگان خداست. محبت به خدا موجب محبت به کسانی است که به خدا ایمان دارند؛ محبت بندگان خدا، همان ظل محبت خداوند است؛ سایهٔ محبت الله می باشد.

۲۵. وقتی انسان از این جهان به جهان دیگر رخت بربندد و پرده ها پس برود، می فهمد که: **ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ آيْدِيكُمْ. وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا**. (و آنچه را عمل کرده اند حاضر می بینند. کهف / ۴۹) تمام اعمالی که در این دنیا از انسان سر می زند در آن جهان دیده می شود؛ در برابر وی مجسم می گردد: **فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ**. (پس هر که به وزن دانه ای خرد کار نیکی انجام دهد، آن را خواهد دید؛ و هر که به وزن دانه ای خرد کار بدی انجام دهد، آن را خواهد دید. زلزال / ۷ - ۸) تمام اعمال و کردار و گفتار انسان در جهان دیگر منعکس می گردد. گویی از زندگی ما فیلم برداری می شود و در آن جهان نشان داده خواهد شد و قابل انکار نخواهد بود. همهٔ اعمال و حرکات ما را علاوه بر شهادت اعضا و جوارح، به ما نشان خواهند داد: **قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ**. (گویند: خدایی که هر چیز را به سخن در می آورد ما را گویا کرد. فصلت / ۲۱) در مقابل خداوند که همه چیز را ناطق و

گویا قرار داده، نمی توانید اعمال زشت خود را انکار کنید و پنهان نمایید. کمی فکر کنید؛ دوران‌دیش باشید؛ عواقب امور را بسنجید؛ عقبه های خطرناکی که دارید به یاد آورید؛ از فشار قبر، عالم برزخ، مشکلات و شدایدی که به دنبال آن است، غفلت نکنید. اقبالاً جهنم را باور داشته باشید. اگر انسان واقعاً این عقبات خطرناک را باور داشته باشد، روش خود را در زندگی عوض می کند. شما اگر ایمان و یقین به این امور داشته باشید، اینگونه رها و آزاد نخواهید زیست؛ قلم، قدم، و زبان خود را حفظ نموده برای اصلاح و تهذیب نفس خود کوشش خواهید کرد.

۲۶. اگر بنده مورد عنایت حق باشد، این ابتلائات [با گرفتاریهای گوناگون، ابتلائات، فقر، مرض] برایش پیش می آید تا بر اثر آن به حق تعالی توجه پیدا کند و مهذب گردد. راه همین است و غیر از این راهی نیست؛ ولی انسان باید با پای خویش این راه را بییماید تا نتیجه بگیرد؛ و اگر از این راه هم نتیجه ای به دست نیامد و بشر گمراه معالجه نشد و استحقاق نعمتهای بهشتی را نیافت، در موقع نزع و جان دادن، فشارهایی بر او وارد می کند؛ بلکه برگردد و متوجه شود. باز هم اگر اثر نبخشید، در قبر و عالم برزخ و در عقبات هولناک بعد از آن، فشارها و عذابهایی وارد می آورد تا پاک و منزه گردد و به جهنم نرود. تمام اینها عنایاتی است از جانب حق تعالی که از جهنمی شدن انسان جلوگیری نماید. اگر با تمام این عنایات و توجهات حق تعالی معالجه نشد چطور؟ ناچار نوبت آخرین علاج که همانا داغ کردن است می رسد. چه بسا که انسان، مهذب و اصلاح نشود و این معالجات مؤثر واقع نگردد، و محتاج باشد که خداوند کریم مهربان بنده خود را به آتش اصلاح کند؛ همانند طلایی که باید در آتش، خالص و پاک گردد.

۲۷. مبدا کار به جایی برسد که دیگر این علاجها مفید و مؤثر واقع نگردد و برای استحقاق و لیاقت نعیم مقیم به آخرین دوا نیاز باشد، و لازم شود که خدای نخواستہ انسان مدتی در جهنم برود و در آتش بسوزد تا از رذایل اخلاقی، آلودگیهای روحی و صفات خبیث شیطانی پاک گردد، لیاقت و استعداد بهره مندی از **جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ** (بهشتهایی که از زیر آنها نهرها جاری است. (مجادله / ۲۲) را بیابد. این تازه مربوط به آن دسته از بندگان است که دامنه گناه و معصیت آنان تا آن درجه گسترده نشده باشد که رحمت و عنایت حق تعالی از آنان به کلی سلب گردد، و هنوز لیاقت ذاتی برای بهشت رفتن داشته باشند. خدا نکند که انسان بر اثر کثرت معاصی از درگاه حضرت باری تعالی رانده و مردود گردد و از رحمت الهی محروم شود، که جز خلود در آتش جهنم، راه دیگری نخواهد داشت. بترسید از اینکه خدای نخواستہ از رحمت و عنایت الهی محروم گردید و مورد خشم و غضب و عذاب او واقع شوید. مبدا اعمال شما،

کردار و گفتار شما، طوری باشد که توفیقات را از شما سلب کند و جز خلود در نار برای شما راهی نباشد. شما الآن یک سنگ گرم را نمی توانید دقیقه ای میان کف دست نگه دارید؛ از آتش جهنم بپرهیزید.

۲۸. این اختلافها، نفاقها را از قلب خود دور کنید. با خلق خدا حُسن سلوک داشته، نیکو معاشرت کنید؛ و با نظر عطوفت و مهربانی به آنان بنگرید. ... خوش رفتاری کنید؛ مهربان باشید؛ صداقت و برادری داشته باشید. مهذب شوید. شما می خواهید جامعه ای را تهذیب و ارشاد کنید، کسی که نتواند خود را اصلاح و اداره کند چگونه می خواهد و می تواند دیگران را راهنمایی و اداره نماید؟

۲۹. گاهی انسان عاصی و گناهکار بر اثر دوری از حق و کثرت معصیت، آنچنان در تاریکی و نادانی فرو می رود که دیگر نیازی به وسوسه شیطان ندارد، خود به رنگ شیطان در می آید.

۳۰. صِبْغَةُ اللَّهِ، [رنگ خدایی. برگرفته از آیه ۱۳۸، سوره «بقره»: صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ.]  
مقابل صبغۀ شیطان است؛ و کسی که دنبال هوای نفس رفت و از شیطان متابعت کرد، بتدریج به صبغۀ او در می آید.

۳۱. شما تصمیم بگیرید لااقل در این یک ماه از خود مراقبت به عمل آورید؛ از گفتار و کرداری که خداوند تبارک و تعالی راضی نیست، اجتناب ورزید. از هم اکنون در همین مجلس با خدای خود عهد ببندید که در ماه مبارک رمضان از غیبت، تهمت و بدگویی نسبت به دیگران خودداری کنید. زبان، چشم، دست، گوش و سایر اعضا و جوارح را تحت ارادۀ خود در آورید. اعمال و اقوال خود را مراقبت نمایید، شاید همین عمل شایسته، موجب گردد که خداوند تبارک و تعالی به شما توجه فرموده، توفیق عنایت کند؛ و پس از سپری شدن شهر صیام - که شیاطین از زنجیر رها می گردند - شما اصلاح شده باشید و دیگر فریب شیطان را نخورید و مهذب گردید. باز تکرار می کنم تصمیم بگیرید در این سی روز ماه مبارک رمضان مراقب زبان، چشم، گوش و همه اعضا و جوارح خود باشید و دائماً متوجه باشید این عملی که می خواهید انجام دهید، این سخنی که می خواهید بر زبان آورید، این مطلبی که دارید استماع می کنید، از نظر شرع چه حکمی دارد؟ این آداب اولی و ظاهری صوم است؛ اقلأً به این آداب ظاهری صوم پایبند باشید. اگر دیدید کسی می خواهد غیبت کند، جلوگیری کنید و به او بگویید ما متعهد شده ایم که در این سی روز رمضان از امور محرّمه خودداری ورزیم؛ و اگر نمی توانید او را از غیبت باز دارید، از آن مجلس خارج شوید؛ ننشینید و گوش کنید. مسلمین باید از شما در امان باشند.



۳۲. کسی که دیگر مسلمانان از دست و زبان و چشم او در امان نباشند، در حقیقت مسلمان نیست؛ (امام باقر (ع) از پیغمبر خدا(ص) نقل کرد که فرمود: آیا شما را از مؤمن خبر ندهم؟ مؤمن کسی است که مؤمنان او را بر جان و مال خود امین قرار دهند. آیا شما را از مسلمان خبر ندهم؟ مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند. «اصول» کافی؛ ج ۳، ح ۱۹، ص ۳۳۱). مسلمان ظاهری و صوری می باشد؛ لا اله الا الله صوری گفته است. اگر خدای نخواستہ خواستید به کسی جسارت کنید، اهانت نمایید، مرتکب غیبت شوید، بدانید که در محضر ربوبی هستید، مهمان خدای متعال می باشید و در حضور حق تعالی به بندگان او اسائۀ ادب می کنید؛ و اهانت به بنده خدا اهانت به خداست. اینان بندگان خدا هستند؛ خصوصاً اگر اهل علم بوده، در صراط علم و تقوا باشند. گاهی می بینی که انسان به واسطۀ این امور به جایی می رسد که در وقت مرگ خدا را تکذیب می کند! آیات الهی را منکر می گردد: **ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ** **أَسَاوَا السُّوَىٰ** **إِنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ** (چنانکه آیه ۱۰۵ سوره «توبه» اشاره دارد: ای پیغمبر بگو هرچه می خواهید [انجام دهید]. خدا و رسول خدا و مؤمنین اعمال شما را می بینند و بزودی برگردانده می شوید به سوی خدای دانای پنهان و آشکار، پس خبر دهد شما را به آنچه می کردید.) این امور بتدریج واقع می شود. امروز یک نظر غیر صحیح، فردا یک کلمۀ غیبت و روز دیگر اهانتی به مسلمان و ... کم کم این معاصی در قلب انباشته می گردد و قلب را سیاه کرده، انسان را از معرفۀ الله باز می دارد؛ تا به آنجا می رسد که همه چیز را انکار کرده، حقایق را تکذیب می نماید.

۳۳. ضیافۀ الله همان «معدن عظمت» است، خداوند تبارک و تعالی برای ورود به معدن نور و عظمت از بندگان دعوت فرموده است؛ لیکن بنده اگر لایق نباشد نمی تواند به چنین مقام باشکوه و مجللی وارد گردد. خداوند تعالی بندگان را به همه خیرات و مبرّات و بسیاری از لذات معنوی و روحانی دعوت فرموده است؛ ولی اگر آنان برای حضور در چنین مقامات عالیہ ای آمادگی نداشته باشند، نمی توانند وارد آن شوند. با آلودگیهای روحی، رذایل اخلاقی، معاصی قلبیه و قالبیه، چگونه می توان در محضر ربوبی حضور یافت و در مهمانسرای رب الارباب که «معدن العظمت» می باشد وارد شد؟ لیاقت می خواهد؛ آمادگی لازم است. با روسیاهیها و قلبهای آلوده که به حجابهای ظلمانی پوشیده شده است، این معانی و حقایق روحانی را نمی توان درک کرد. باید این حجابها پاره گردد و این پرده های تاریک و روشنی که بر قلبها کشیده شده و مانع وصال الی الله گردیده کنار رود، تا بتوان در مجلس نورانی و با شکوه الهی وارد شد.

۳۴. توجه به غیر خدا، انسان را به حجابهای «ظلمانی» و «نورانی» محجوب نماید. کلیه امور دنیوی اگر موجب توجه انسان به دنیا و غفلت از خداوند متعال شود، باعث حجب ظلمانی می شود. تمام عوالم اجسام حجابهای ظلمانی می باشد؛ و اگر دنیا وسیله توجه به حق و رسیدن به دار آخرت، که «دارالتشریف» است، باشد، حجابهای ظلمانی به حجب نورانی مبدل می گردد؛ و «کمال انقطاع» آن است که تمام حجب ظلمانی و نورانی پاره و کنار زده شود، تا به مهمانسرای الهی که «معدن عظمت» است بتوان وارد گردید.

۳۵. کسی که از هوای نفس پیروی می کند و از روزی که خود را شناخته به غیر عالم ظلمانی طبیعت توجهی ندارد و هیچ گاه فکر نمی کند که ممکن است غیر از این دنیای آلوده تاریک، جا و منزل دیگری هم وجود داشته باشد، در حجاب ظلمانی فرو رفته، مصداق **أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ** (به سوی زمین گرایید (پستی طلبید) و هوای نفس خویش را پیروی کرد. اعراف / ۱۷۶) گردیده است. او با آن قلب آلوده به گناهی که در پرده ظلمانی پوشیده شده و روح گرفته ای که بر اثر کثرت گناه و معصیت از حق تعالی دور گشته، آن هواپرستیها و دنیا طلبیهایی که عقل و چشم حقیقت بین او را کور کرده است، نمی تواند از حجابهای ظلمانی برهد، چه رسد اینکه حجب نورانی را پاره کرده، انقطاع الی الله حاصل نماید. او خیلی معتقد باشد که مقام اولیای خدا را منکر نشود، عوالم برزخ، صراط، معاد، قیامت، حساب، کتاب، بهشت و جهنم را افسانه نخواند. انسان بر اثر معاصی و دلبستگی به دنیا بتدریج این حقایق را منکر می گردد؛ مقامات اولیا انکار می کند، با اینکه مقامات اولیا بیش از این چند جمله ای که در دعا و مناجات وارد شده، نمی باشد.

۳۶. اگر شما منظم و مهذب شوید، همه جهات شما تحت نظم و ترتیب باشد، دیگران به شما طمع نمی کنند؛ ...

۳۷. **قدم را الهی کنید، حب دنیا را از دل بیرون نمایید، آن وقت می توانید مبارزه کنید.**

۳۸. کوشش کنید تا برای آتیه اسلام به درد بخورید، و خلاصه یک انسان باشید.

۳۹. تمام صفات وارسته انسانی در انقطاع کامل الی الله نهفته است.

۴۰. مقامی که برای بندگان صالح خدا در نظر گرفته شده، تمام دنیا و مافیها - با آن جلوه های ساختگی - در مقابل آن به قدر پیشیزی ارزش ندارد.

۴۱. این دنیا با تمام زرق و برق ظاهری اش ناچیزتر از آن است که قابل محبت باشد.

۴۲. این زندگی زودگذر به ظاهر شیرین، در مقابل عذاب غیرمتناهی چه ارزشی دارد؟

۴۳. توجه به غیر خدا انسان را به حجابهای ظلمانی و نورانی محبوب می نماید.

۴۴. کلیه امور دنیوی اگر موجب توجه انسان به دنیا و غفلت از خداوند متعال شود، باعث حجب ظلمانی می شود.

۴۵. حزب الله باشید؛ از زرق و برق زندگی و جلوه های ساختگی آن بپرهیزید.

۴۶. روحانی ای که خود را پیرو و شیعه علی بن ابیطالب - علیه السلام - می داند، ممکن نیست به مشتتهیات دنیا توجهی داشته باشد.

۴۷. ریشه تمام اختلافاتی که فاقد هدف مشخص و مقدسی باشد، به حب دنیا برمی گردد.

۴۸. انبیای خدا برای این مبعوث شدند که آدم تربیت کنند؛ انسان بسازند؛ بشر را از زشتیها، پلیدیها، فسادها و رذایل اخلاقی دور سازند و با فضایل و آداب حسنه آشنا کنند.

۴۹. اگر برای خدا قدم بردارید، خداوند متعال مقلب القلوب است، دلها را به شما متوجه می سازد.

۵۰. جز به خالق یکتا به احدی توجه نداشته باشید.

۵۱. قلب انسان مانند آینه صاف و روشن است، و بر اثر توجه فوق العاده به دنیا و کثرت معاصی کدر می شود.

۵۲. با آلودگیهای روحی، رذایل اخلاقی، معاصی قلبیه و قالبیه چگونه می توان در محضر ربوبی حضور یافت و در مهمانسرای رب الارباب که «معدن العظمة» می باشد، وارد شد؟

۵۳. از خدا بترسید؛ از عواقب امور بپرهیزید؛ از خواب غفلت بیدار شوید!

۵۴. دوراندیش باشید؛ عواقب امور را بسنجید؛ عقبه های خطرناکی که دارید به یاد آورید، از فشار قبر، عالم برزخ، مشکلات و شدایدی که به دنبال آن است، غفلت نکنید!

۵۵. جهنم با اعمال و کردار زشت انسان، روشن می گردد.

۵۶. اگر بشر با اعمال و کردار خویش آتش نیفرزد، جهنم خاموش است. باطن این طبیعت جهنم است؛ اقبال به طبیعت، اقبال به جهنم است.

۵۷. آنچه در عالم آخرت واقع می شود چیزی است که در این دنیا تهیه گردیده است.

۵۸. پیش از آنکه فرصت از دست برود، چاره بیندیشید!

۵۹. شما جوانان رو به پیری و ما پیران رو به مرگ پیش می رویم.

۶۰. هر نفسی که می کشید، هر قدمی که بر می دارید، و هر لحظه ای که از عمر شما می گذرد، اصلاح مشکلتز گردیده، ممکن است ظلمت و تباهی بیشتر شود.

۶۱. تا نیرو و اراده جوانی دارید. می توانید هواهای نفسانی، مشتتهیات دنیایی و خواسته های حیوانی را از خود دور سازید.

۶۲. قلب جوان لطیف و ملکوتی است و انگیزه های فساد در آن ضعیف می باشد؛ لیکن هر چه سن بالا رود، ریشه گناه در قلب قویتر و محکمتر می گردد تا جایی که کندن آن از دل ممکن نیست.

۶۳. با خلق خدا حسن سلوک داشته، نیکو معاشرت کنید و با نظر عطف و مهربانی به آنان بنگرید.

۶۴. با بندگان خوب و صالح خدا نیکی کنید.

۶۵. کسی که دیگر مسلمانان از دست و زبان و چشم او در امان نباشند، در حقیقت مسلمان نیست.

۶۶. اهانت به بنده خدا، اهانت به خداست.

۶۷. کسی که دنبال هوای نفس رفت و از شیطان متابعت کرد، بتدریج به صبغه او در می آید.

۶۸. اهل آخرت با هم در صلح و صفا هستند؛ قلبهایشان مملو از محبت خدا و بندگان خداست.

۶۹. محبت بندگان خدا، همان ظلّ محبت خداوند است.

۷۰. قرآن کریم امانت بزرگ خداست؛ علما و روحانیون امانتدار الهی هستند.

۷۱. وظایف اهل علم خیلی سنگین است؛ مسئولیت علما بیش از سایر مردم می باشد.

۷۲. در روایت است که وقتی جان به حلقوم می رسد، برای عالم، دیگر جای توبه نیست.

۷۳. اگر عالمی منحرف شد، ممکن است امتی را منحرف ساخته، به عفونت بکشد.

۷۴. اگر عالمی مهذب باشد، اخلاق و آداب اسلامی را رعایت نماید، جامعه را مهذب و هدایت می کند.

۷۵. در نفسی که مهذب نشده، علم، حجاب ظلمانی است.

۷۶. علم نور است؛ ولی در دل سیاه و قلب فاسد دامنه ظلمت و سیاهی را گسترده تر می سازد.

۷۷. علمی که انسان را به خدا نزدیک می کند، در نفس دنیاطلب، باعث دوری بیشتر از درگاه ذی الجلال می گردد.

۷۸. علم توحید هم اگر برای غیر خدا باشد، از حجب ظلمانی است.

به نام خداوند جان و خرد، رهنمودهای امام خمینی درباره: جهاد اکبر یا مبارزه با نفس<sup>۱</sup>، دوره آموزشی مدرسه عشق - سطح یک، حوزه بسیج، ویرایش دوم، ۱۳۹۸

۷۹. اگر انسان خبثت را از نهادش بیرون نکند، هر چه درس بخواند و تحصیل نماید نه تنها فایده ای بر آن مترتب نمی شود؛ بلکه ضررها دارد.

۸۰. عالم فاسد است که دنیایی را به فساد می کشاند.

۸۱. [خطاب به طلاب] اگر خدای نخواستہ درس نخوانید حرام است در مدرسه بمانید.

۸۲. هر قدمی که برای تحصیل علم برمی دارید، قدمی هم برای کوبیدن خواسته های نفسانی، تقویت قوای روحانی، کسب مکارم اخلاق، تحصیل معنویات و تقوا بردارید.

۸۳. بکوشید پیش از آنکه وارد جامعه گردید خود را اصلاح کنید، مهذب سازید.

۸۴. از شما توقع است که وقتی از مرکز فقه رفتید، خود، مهذب و ساخته شده باشید تا بتوانید مردم را بسازید.

۸۵. اگر به سبب اعمال و کردار و رفتار ناروای شما یک نفر گمراه شده [و] از اسلام برگردد، مرتکب اعظم کبائر می باشید.

۸۶. خدا نکند انسان پیش از آنکه خود را بسازد، جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ و شخصیتی پیدا کند که خود را می بازد.

۸۷. قبل از آنکه عنان اختیار از کف شما ربوده شود، خود را بسازید و اصلاح کنید.

۸۸. به اخلاق حسنه آراسته شوید؛ رذایل اخلاقی را از خود دور کنید؛ در درس و بحث اخلاص داشته باشید تا شما را به خدا نزدیک سازد.

۸۹. اگر در کارها نیت خالص نباشد، انسان را از درگاه ربوبی دور می کند.

۹۰. ایادی استعمار می خواهند تمام حیثیات اسلام را از بین ببرند و شما باید در مقابل ایستادگی کنید.

۹۱. عالم سوء، عالم متوجه به دنیا، عالمی که در فکر حفظ مسند و ریاست باشد، نمی تواند با دشمنان اسلام مبارزه نماید.

۹۲. قدم را الهی کنید، حب دنیا را از دل بیرون نمایید، آن وقت می توانید مبارزه کنید.

منابع:

۱- <http://www.imam-khomeini.ir>

۲- جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۹)،

ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، محل نشر: تهران، ۱۳۹۴

به نام خداوند جان و خرد، رهنمودهای امام خمینی درباره: جهاد اکبر یا مبارزه با نفس اماره، دوره آموزشی مدرسه عشق - سطح یک، حوزه بسیج، ویرایش دوم، ۱۳۹۸

## «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

تهیه کننده: حوزه بسیج شرکت ملی پالایش و پخش

« با آرزوی بهترین ها »

« ویرایش دوم، آذر ۹۸ »